

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقہ ۲

سطح ۲

درس ۷

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای شم‌آبادی

مقدمه

مجموعه برنامه‌های عملی اسلام «احکام» نامیده می‌شود که از جمله آنها «واجبات» است. نماز، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین واجبات عملی اسلام است.

برای صحت نماز لازم است شرایطی رعایت شود. این شرایط در یک تقسیم بندی کلی به دو قسم تقسیم می‌شوند:

الف) شرایط سابق بر نماز؛ مانند کسب طهارت؛ زیرا بر نمازگزار لازم است قبل از نماز، وضو بگیرد غسل و یا تیمم نماید.

ب) شرایط مقارن و همراه با نماز.

از جمله شرایط مقارن (همراه) نماز لزوم رعایت پوشش و رو به قبله بودن است.

«استقبال» که به معنای رو به قبله بودن است در دفن میت، ذبح حیوان و نمازهای واجب، شرط صحت عمل می‌باشد و در نمازهای نافله، قرآن خواندن و کارهای دیگر، شرط کمال و ثواب بیشتر محسوب می‌شود.

در این درس ابتدا مسئله قبله به عنوان یکی از شرایط مقارن نماز مورد بررسی قرار گرفته و احکام آن بیان می‌گردد، سپس به بحث طهارت که خود به دو بخش طهارت از حدث و طهارت از خبث (نجاست) تقسیم می‌شود، پرداخته خواهد شد.

متن عربى

القبلة

يجب استقبال القبلة فى جميع الصلوات الواجبة. و هى المكان الذى فيه الكعبة المشرفة.
والمستند فى ذلك:

١. اما وجوب الاستقبال فى الصلاة الواجبة، فلقتضاء الضرورة الدينية بذلك.
و تدل عليه ايضا جملة من النصوص، كصحيحة زرارة عن ابى جعفر: «لا صلاة الا الى القبلة» و حديث «لا تعاد الصلاة الا فى خمسة: الطهور، والوقت، و القبلة، والركوع، والسجود».
 ٢. وأما النافلة، فمقتضى اطلاق ما تقدم اعتبار القبلة فيها ايضاً، ولكن دلت جملة من الروايات على جواز المشى فيها، كصحيحة يعقوب بن شبيب: «سالت ابا عبدالله ... قلت: يصلى و هو يمشى؟ قال نعم يومى ايماء و ليجعل السجود اخفض من الركوع» فان لازم جواز المشى عرفاً سقوط شرطية القبلة.
ولابد من حمل الصحيحة على النافلة، لعدم احتمال ارادة الفريضة منها.
 ٣. و أما أن القبلة هى ما ذكر من دون نفس البنية، فللزوم انعدام القبلة بانهدام البنية و لاتعود باعادة بنائها.
وايضاً يلزم منه بطلان صلاة البلدان الواقعة اعلى او اخفض من مكة.
واذا قيل: إن لازم كلا القولين بطلان صلاة بعض الصف الطويل و تنحصر صحة الصلاة بمن يخرج من موقفه خط مستقيم الى الكعبة.
- قلنا: إن المدار على المواجهة العرفية دون الدقية، و هى تتسع بزيادة البعد، فقبر الامام الحسين مثلاً قد لا تتحقق مواجهته من قرب إلا فى حق خمسة اشخاص بينما من بعد يمكن ان يواجهه اهل بلد كامل.

الطهارة

لاتصح الصلاة الا مع الطهارة من الحدث و طهارة اللباس و البدن من الخبث الا ما استثنى.

والمصلى مع الحدث يعيد و لو كان ناسياً او جاهلاً بخلاف المصلى مع الخبث، فانه يعيد مع النسيان دون الجهل.
والمستند فى ذلك:

١ اما اعتبار الطهارة من الحدث، فمن المسلمات بل من ضروريات الدين.

و يدل عليه قوله تعالى: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَ إِن كُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا...» و صحيحة زرارة عن ابى جعفر: «لا صلاة الا بطهور» وغيرها.

رو به قبله بودن در نماز

وجوب استقبال

«استقبال» یعنی رو به قبله بودن، در نمازهای واجب لازم است اما در نمازهای نافله و مستحبی لازم نیست؛ بدین معنا که می‌توانیم نمازهای نافله را در حالی که رو به قبله نیستیم، بخوانیم.

مقصود از قبله

مقصود از قبله که باید به طرف آن نماز خوانده شود بنا و ساختمان کعبه نیست؛ بلکه مقصود این است که باید به جهت و سمت کعبه نماز خوانده شود.

مقصود از جهت قبله

مقصود از جهت قبله، جهت عرفی است؛ یعنی همین که در عرف بگویند شخص به سمت قبله نماز می‌خواند کفایت می‌کند و دقت عقلی لازم نیست.

مستند احکام قبله

الف) دلیل وجوب استقبال در نمازهای واجب

وجوب استقبال از ضروریات دین است و همچنین احادیث فراوانی از جمله صحیح زراره^۱ و حدیث «لا تعاد»^۲ بر آن دلالت می‌کند. در حدیث لاتعداد امام باقر(ع) اشاره می‌کند که نماز خوانده شده اعاده ندارد، مگر اینکه یکی از عیوب پنج‌گانه در نماز حاصل شود که یکی از آن موارد جهت قبله است که اگر رعایت نشود باید نماز دوباره خوانده شود؛ بنابراین، از حدیث «لا تعاد» استفاده می‌شود که استقبال در نمازهای واجب لازم است و اگر رعایت نشود باید نماز را اعاده نمود.

ب) دلیل عدم وجوب استقبال در نمازهای مستحبی

روایاتی مثل صحیح یعقوب بن شعیب، بر جواز خواندن نماز در حال راه رفتن دلالت می‌کند و عرف از این جواز، سقوط استقبال قبله را برداشت می‌کند؛ زیرا انسان در حال راه رفتن نمی‌تواند استقبال قبله را رعایت کند. و دلیل اینکه روایت را بر نافله حمل می‌کنیم این است که احتمال نمی‌دهیم مراد امام معصوم(ع) نمازهای واجب باشد، خصوصاً با توجه به حدیث لاتعداد که می‌فرماید: اگر خللی از ناحیه قبله وارد شود، نماز باید اعاده گردد. با کنار هم قرار دادن این روایت و حدیث لاتعداد به این نتیجه می‌رسیم که در نمازهای واجب، رعایت استقبال لازم است، ولی در نمازهای نافله رعایت استقبال لازم نیست.^۳

۱. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ: «لَا صَلَاةَ إِلَّا إِلَى الْقِبْلَةِ».

۲. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ: «لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةِ: الطَّهْوَرِ وَالْوَقْتِ وَالْقِبْلَةِ وَالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ».

۳. ادله‌ای که برای شرط بودن استقبال در نمازهای نافله بیان شده است مجموعاً پنج دلیل است:

ج) دلیل اینکه مقصود از قبله ساختمان کعبه نیست، بلکه جهت است

بیان شد هنگام خواندن نماز انسان باید رو به قبله باشد؛ ولی مراد از قبله جهت قبله، است، نه ساختمان و بنای کعبه. دو دلیل برای این مطلب می‌توان بیان نمود:

اولاً: اگر مراد از قبله ساختمان کعبه باشد، لازم می‌آید که در صورت انهدام ساختمان کعبه، قبله نیز منهدم شود و حتی اگر دوباره نیز ساخته شود بنای اول نخواهد بود.

ثانیاً: اگر مراد از قبله، ساختمان کعبه باشد، لازم می‌آید شهرهایی که ارتفاعشان خیلی بالاتر یا پایین‌تر از سطح مکه است هیچوقت نتوانند مقابل قبله قرار گیرند.

اشکال

بنا بر هر دو قول - چه نظر کسانی که ملاک را بنای کعبه قرار می‌دهند و چه نظر کسانی که ملاک را جهت کعبه قرار می‌دهند- اگر افراد نماز گزار در عرض هم و در صف طولانی قرار گیرند، لازم می‌آید که جز چند نفر که در خط مستقیم رو به قبله هستند بقیه در جهت قبله نبوده و نمازشان باطل باشد.

توضیح مطلب اینکه: اگر فرض کنیم یکی از ضلع‌های کعبه هفت متر باشد و در فاصله نزدیک یا دور از خانه کعبه، نماز جماعتی به آن سمت تشکیل شود که عرض صف‌های آن بیش از ۷ متر باشد، تنها نماز افرادی صحیح است که در محدوده ۷ متری قرار گرفته اند و نماز بقیه باطل خواهد بود.

پاسخ

مواجهه عرفی کافی است و مواجهه دقّی (عقلی) لازم نیست؛ یعنی همین که عرف بگوید شخص به سمت قبله نماز می‌خواند کفایت می‌کند و با افزایش فاصله انسان از یک مکان، جهت‌های عرفی گسترش پیدا کرده و وسیع‌تر می‌شود.

تطبیق

الأول: أن العبادات توقيفية، فما لم يثبت ترخيص من قبل الشارع في الإتيان بها بكيفية خاصة لم يكن مساعاً للحكم بمشروعيتها، و المقدار الثابت من مشروعية النوافل الإتيان بها مراعيّاً للاستقبال دون غيره. ﴿٤٠﴾

﴿الثاني: قاعدة إلحاق النوافل بالفرائض و مشاركتها في جميع الخصوصيات ما لم يثبت الخلاف.

الثالث: حديث لا تعاد، فإن استثناء القبلة يكشف عن دخلها في حقيقة الصلاة كبقية المذكورات، و لذا أمر بالإعادة عند الإخلال بها و لو نسياناً و مقتضى الإطلاق عدم الفرق بين الفريضة و النافلة.

الرابع: و هو العمدة صحيح زرارة عن أبي جعفر (عليه السلام): «قال: لا صلاة إلا إلى القبلة...» الظاهر في نفي الحقيقة عن الفاقدها شامل بمقتضى الإطلاق للفريضة و النافلة، غاية أنه خرج عنه حال العجز مطلقاً، و حال السير في خصوص النوافل بالأدلة الخاصة فيبقى الباقي تحت الإطلاق.

الخامس: من الوجوه التي استدلت بها لاعتبار الاستقبال في المقام قوله تعالى وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ﴿١﴾ حيث دل بمقتضى الإطلاق على وجوب الاستقبال في عامة الصلوات و حيث ما كان المكلف، خرج عنه النافلة حال السير بالأدلة الخاصة فيبقى الباقي تحت الإطلاق. (موسوعة الإمام

الخوئي؛ ج ۱۲، ص: ۱۱).

با توجه به این ادله و با اشکال و جواب‌هایی که به آنها شده است بعضی از علما قائلند که در نمازهای نافله جز در موارد مشخص، استقبال، شرط صحت است.

القبلة

قبله

يجب استقبال القبلة في جميع الصلوات الواجبة. و هي المكان الذي فيه الكعبة المشرفة.

واجب است رو به قبله بودن در همه نمازهای واجب. و قبله به مکانی گفته می‌شود که کعبه مشرفه در آن قرار دارد.

والمستند في ذلك:

دليل و مستند آنچه گفته شد:

۱. اما وجوب الاستقبال في الصلاة الواجبة،^۱ فلقضاء الضرورة الدينية بذلك.^۲

دليل وجوب رو به قبله بودن در نمازهای واجب این است که ضرورت دین آن را اقتضا می‌کند.

و تدل عليه ايضا جملة من النصوص، كصحيحة زرارة عن ابي جعفر: «لا صلاة الا الى القبلة» و حديث «لا تعاد الصلاة الا في خمسة: الطهور، والوقت، و القبلة، والركوع، والسجود».

و هم چنین تعدادی از نصوص بر آن دلالت می‌کند؛ مانند صحیح زراره از امام باقر(ع) که فرمود: «نمازی نیست مگر به سوی قبله» و حدیث «نماز اعاده نمی‌شود مگر در پنج مورد: طهارت، و وقت، و قبله، و رکوع، و سجود».

۲. و أما النافلة، فمقتضى اطلاق ما تقدم اعتبار القبلة فيها أيضاً، ولكن دلت جملة من الروايات على جواز المشى فيها،

۲. و اما نسبت به نافله، مقتضای اطلاق ادله‌ای که گذشت این است که رعایت قبله در نماز نافله نیز معتبر باشد، اما تعدادی از روایات بر جواز راه رفتن هنگام خواندن نماز نافله دلالت می‌کند؛

كصحيحة يعقوب بن شعيب: «سالت ابا عبدالله ... قلت: يصلى و هو يمشى؟ قال نعم يومی ايماء و ليجعل السجود اخفض من الركوع»

مانند صحیح یعقوب بن شعیب: «سؤال کردم از امام صادق(ع) ... عرض کردم: نمازگزار نماز بخواند در حالی که راه می‌رود؟ فرمود: بله، اشاره می‌کند اشاره کردنی و اشاره‌اش را برای سجود بیشتر از رکوع قرار بدهد»

فان لازم جواز المشى عرفاً سقوط شرطية القبلة.

۱. اگر چه مصنف محترم وجوب استقبال را مختص نمازهای واجب می‌داند؛ اما خیلی از علما معتقدند در نمازهای نافله نیز جز در حال راه رفتن، سواره بودن و نیز عاجز بودن از استقبال، رو به قبله بودن واجب و شرط صحت نماز است. عبارت برخی از علما چنین است:

الف) عبارت صاحب جواهر(ره): المشهور نقلا و تحصيلا الاشتراط إلا فيما استثنى مما ستعرف، بل قيل إنه المصرح به في جميع كتب الأصحاب إلا ما قل، (جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۸، ص ۴).

ب) عبارت سید یزدی (ره): يشترط في صلاة النافلة في حال الاستقرار لا في حال المشى. العروة الوثقى (المحشى؛ ج ۲، ص: ۳۱).

ج) عبارت مرحوم خوئی(ره): أن الأقوى اعتبار الاستقبال في النافلة حال الاستقرار، لتامة المقتضى و عمدته صحيحة زرارة: «لا صلاة إلا إلى القبلة» و عدم وجود المانع. (موسوعة الإمام الخوئي؛ ج ۱۲، ص: ۲۲).

۲. بلا خلاف بین المسلمین، بل هو مجمع علیه بینهم إن لم يكن ضروريا عندهم، و الكتاب(بقره: ۱۳۹) كالتواتر من النصوص دال عليه. (جواهر

الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ ج ۸، ص ۲)

همانا لازمه عرفی جواز راه رفتن در حال نماز این است که شرط بودن قبله ساقط باشد.

ولابد من حمل الصحيحة على النافلة، لعدم احتمال ارادة الفريضة منها.

و چاره‌ای نیست از این که صحیحه یعقوب را بر نافله حمل کنیم؛ زیرا احتمال نمی‌رود که از این روایت، نماز واجب اراده شده باشد.^۱

۳. و أما أن القبلة هي ما ذكر من دون نفس البنية، فللزوم انعدام القبلة بانهدام البنية و لا تعود باعادة بنائها.

و اما دلیل اینکه قبله همان چیزی است که گفته شد، نه خود بنای کعبه، آن است که اگر قبله همان بنای کعبه باشد، لازم می‌آید که با خراب شدن بنای کعبه، قبله نیز از بین برود و با بنای مجدد خانه کعبه نیز قبله برنمی‌گردد.

وايضاً يلزم منه بطلان صلاة البلدان الواقعة اعلى او اخفض من مكة.

و هم چنین لازم می‌آید که نماز افراد شهرهایی که بالاتر یا پایین تر از مکه واقع شده‌اند؛ باطل باشد.

و اذا قيل: إن لازم كلالقولين بطلان صلاة بعض الصف الطويل و تنحصر صحة الصلاة بمن يخرج من موقفه خط مستقيم الى الكعبة.

و اگر اشکال شود که: لازمه هر دو قول این است که نماز بعضی از افرادی که در صف طولانی قرار گرفته‌اند باطل باشد و صحت نماز منحصر به کسانی باشد که از محل ایستادن او خط مستقیمی به کعبه بتوان رسم نمود،

قلنا: إن المدار على المواجهة العرفية دون الدقية، و هي تتسع بزيادة البعد،

جواب می‌دهیم: همانا مهم این است که عرفاً به سوی قبله باشیم، نه با دقت عقلی: و جهت‌های عرفی با افزایش فاصله انسان از یک مکان، گسترش پیدا کرده و وسیع تر می‌شود؛

فقبر الامام الحسين مثلاً قد لا تتحقق مواجهته من قرب إلا في حق خمسة اشخاص بينما من بُعد يمكن ان يواجهه اهل بلد كامل.

مثلاً رو به قبر امام حسین (ع) بودن، از نزدیک جز برای پنج نفر محقق نمی‌شود، در حالی که از دور همه اهل یک شهر می‌توانند رو به آن بایستند.

^۱ چون همان گونه که پیشتر اشاره شد لزوم استقبال در نمازهای واجب از ضروریات دین است و روایت نمی‌تواند با ضروریات دین مخالفت داشته باشد؛ پس باید به گونه‌ای معنا شود که با هیچ یک از احکام ضروری دین منافات نداشته باشد.

رو به قبله بودن در نماز

۱. در نمازهای واجب: واجب است؛

الف) ضرورت دین

دلیل:

ب) احادیث فراوانی از جمله صحیح زراره و حدیث «لا تعاد»

۲. در نمازهای مستحبی: مستحب است؛

دلیل: مقتضای جمع بین روایاتی که راه رفتن در نماز را جایز می‌داند و حدیث «لا تعاد»

مقصود از قبله: جهت و سمت کعبه

دلیل: داشتن دو تالی فاسد در صورتی که مقصود، ساختمان کعبه باشد

الف) لزوم انهدام قبله در صورت ویران شدن ساختمان کعبه

ب) لزوم عدم استقبال در شهرهایی که ارتفاعشان خیلی بالاتر یا پایین‌تر از سطح مکه است

مقصود از جهت قبله: جهت عرفی

SCO۱:۱۸:۴۱

طهارت^۱

چند نکته در رابطه با طهارت مطرح است:

الف) لزوم طهارت از حدث

طهارت از حدث در نماز معتبر است؛ بدین معنا که اگر شخص غسلی به گردش هست باید غسل جنابت انجام دهد، بعد وارد نماز شود یا اگر وضو ندارد باید وضو کسب کرده سپس بعد وارد نماز شود.

ب) لزوم طهارت از خبث

لازم است انسان در حال نماز، طهارت از خبث داشته باشد؛ یعنی بدن و لباس او نجس نباشد. البته نجس بودن بدن و لباس در مواردی اشکال ندارد و نماز درست است که در اصطلاح به آنها «مغفوء عنه» گفته می‌شود. در این موارد اگر چه بدن یا لباس نجس است ولی نماز خواندن در آن حالت اشکالی ندارد.

برخی از نجاست‌های مغفوء در نماز

۱. خون کم؛ یعنی خونی که کمتر از یک درهم یا یک دو ریالی باشد.^۲

۲. نجس بودن لباس کسی که مربی و پرستار بچه است.^۱

^۱ الطهارة مصدر «طهر» بضم العين و فتحها، و الاسم الظَّهر بالضم. (الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)؛ ج ۱، ص ۲۴۵).

^۲ البته برای این مورد شرایطی نیز ذکر شده است که برخی اختلافی است: مثلاً خون حیض و نفاس و استحاضه نباشد و خون نجس العین یا غیر

مأکول اللحم نیز نباشد. (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۲۴)

ج) حکم نماز، بدون طهارت از حدث

اگر کسی با حالت محدث بودن - یعنی بدون وضو^۳ نماز بخواند باید نماز را اعاده کند، اگر چه فراموش کرده باشد؛ یعنی می‌دانسته وضو ندارد اما فراموش کرده وضو بگیرد و نمازش را خوانده و بعد از نماز یادش می‌آید وضو نداشته است یا اصلاً جاهل بوده و نمی‌دانسته وضو ندارد و بعد از نماز یادش می‌آید که اصلاً وضو نداشته است. در این دو حالت شخص باید نمازی را که خوانده اعاده کند.

د) حکم نماز، بدون طهارت از خبث

اگر نمازگزار با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، در صورتی نماز او درست است و اعاده ندارد که قبل از نماز به نجس بودن بدن یا لباسش علم پیدا نکرده و متوجه نباشد؛ اما اگر شخص قبل از نماز می‌دانسته بدن یا لباسش نجس است و فراموش کرده آن را تطهیر کند و با همان حال نماز خوانده است باید نماز خود را اعاده نماید.

تطبیق

الطهارة

طهارت

لا تصح الصلاة الا مع الطهارة من الحدث و طهارة اللباس و البدن من الخبث الا ما استثنى.

نماز جز همراه با طهارت از حدث و همچنین پاک بودن لباس و بدن از آلودگی و نجاست، مگر در مواردی که استثنا شده است درست نیست

والمصلى مع الحدث يعيد و لو كان ناسياً او جاهلاً

و اگر شخص در حال محدث بودن (بدون کسب طهارت از حدث) نماز بخواند باید نماز خود را اعاده نماید، هر چند محدث بودن به دلیل فراموشی یا جهل به مسئله باشد.^۴

^۱ شرایطی که برای این مورد بیان شده است عبارتند از: نجس بودن لباس زنی که مربی طفل است و لباس او به بول طفل نجس شده و لباس

دیگری نیز ندارد تا با آن نماز بخواند؛ لذا لباس، زن، بول و نداشتن لباس دیگر خصوصیت و مفهوم دارند. (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۲۵)

^۲ موارد دیگری که به عنوان «معموف عنه» ذکر شده عبارتند از: الف) خون زخم و جراحت در صورتی که تطهیر آن مشقت داشته باشد؛ ب) «ما لا تتم فيه الصلاة»؛ یعنی لباسی که کوچک است و نمی‌تواند ساتر عورت باشد، مانند نجس بودن جوراب؛ ج) آنچه که جزء باطن و تابع انسان شده است؛ مانند میته‌ای که شخص آن را خورده یا شرابی که آن را نوشیده یا نخی که با آن پوست او را دوخته و بخیه زده‌اند. (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۲۴)

^۳ در مواردی که وظیفه او وضو گرفتن است یا بدون غسل در مواردی که وظیفه او غسل است یا بدون تیمم در مواردی که وظیفه او تیمم است.

^۴ طهارت از حدث همانند لزوم مطلق بودن آبی که در وضو استعمال می‌شود «شرط واقعی» نماز محسوب می‌شود؛ لذا هر چند از روی فراموشی یا جهل به مسأله انسان نمازش را بدون طهارت از حدث بخواند نماز او باطل است؛ به خلاف طهارت از خبث که «شرط ذکر و علمی» نماز محسوب می‌شود؛ یعنی اگر علم به نجاست پیدا کرده باشد و آن را فراموش کرده باشد و با آن حال نماز بخواند نمازش باطل است؛ اما اگر نجس بودن بدن یا لباسش را نمی‌دانسته و نماز خوانده اعاده نماز لازم نیست. عبارت چند تن از علما در این مورد چنین است:

طهارة الماء شرط واقعی للوضوء، و طهارة اللباس علمی للصلاة (کتاب الطهارة (للأراکی)؛ ج ۱، ص ۶۳۹) الطهارة الظاهرية شرط واقعی للصلاة (مصباح الفقیه؛ ج ۸، ص ۲۱۴) الطهارة من الحدث الأكبر شرط واقعی فی الصلاة (فقه الإمام الصادق علیه السلام؛ ج ۲، ص ۳۲)

بخلاف المصلی مع الخبث، فانه یعید مع النسیان دون الجهل.^۱

به خلاف کسی که همراه با نجاست (بدون کسب طهارت از خبث) نماز بخواند، چنین شخصی در حالتی که (نجس بودن را) فراموش کرده باشد باید نمازش را اعاده نماید، نه در حالتی که جاهل به نجاست بوده است.

طهارت در نماز

طهارت از حدث: واجب
طهارت از خبث: واجب

حکم نماز بدون طهارت از حدث: بطلان در تمام صورتها

حکم نماز بدون طهارت از خبث:

نجاست را می دانسته و فراموش کرده: باطل
نجاست را نمی دانسته: درست

SC02:23:09

مستند مطالب پیش گفته

دلیل وجوب طهارت از حدث

دلیل اول: نص قرآن کریم

خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا إذا قمتم إلى الصلاة فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلى المرافق و امسحوا برؤسکم و أرجلکم إلى الکعبین و ان کنتم جنباً فاطهروا...»^۲ فاغسلوا صیغه امر بوده و امر ظهور در وجوب دارد؛ پس باید طهارت داشته باشیم.

دلیل دوم: روایات

از مجموع روایاتی همچون صحیح زراره از امام باقر (ع): «لا صلوة الا بطهور»- یعنی نماز بدون طهارت نماز نیست- یا حدیث «لاتعاد» که اشاره به اعاده نماز بدون طهارت دارد و روایات متعدد دیگری، استفاده می شود که طهارت از حدث، شرط است.

الطهارة من الحدث شرط فی الصلاة و مع فقد الشرط ینتفی المشروط و لا دلیل علی عدم الاشتراط عند السهو و يدل علی المدعی النص الخاص لاحظ ما رواه علی بن مهزیار قال: «...و إذا کان جنباً أو صلی علی غیر وضوء فعليه إعادة الصلوات المكتوبات اللواتی فاتته» (الدلائل فی شرح منتخب المسائل؛ ج ۳، ص ۱۲۴).

^۱. مرحوم خوبی نیز چنین آورده است: «إذا صلی فی النجس متعمداً وجبت إعادتها أو قضاؤها و لا یجب علی الجاهل شیء، و أما ناسی النجاسة فحاله عند الأكثر حال العالم بها فی وجوب الإعادة و القضاء، و إن ذهب شذمة إلى التفصیل بین الوقت و خارجه فحکموا بوجوب الإعادة دون القضاء استناداً إلى رواية علی بن مهزیار». (موسوعة الإمام الخوئی؛ ج ۳، ص: ۲۳۶).

^۲. مائده، آیه ۶.

تطبيق

والمستند في ذلك:

مستند مطالب پیش گفته

۱. اما اعتبار الطهارة من الحدث، فمن المسلمات بل من ضروريات الدين.

لزوم طهارت از حدث، از مسلمات، بلکه از ضروريات دين اسلام است.

و يدل عليه قوله تعالى: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَرُوا...»^۱

و سخن خدای متعال بر آن دلالت می‌کند که فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که به نماز می‌ایستید

صورت‌هایتان را و دست‌هایتان را تا آرنج بشوید و بعضی از سر و پاهایتان را تا مفصل (برآمدگی روی پا) مسح

نمایید و اگر جنب بودید خود را بشوید (و غسل کنید)...»

و صحیحۀ زراره عن ابی جعفر: «لا صلاة الا بطهور»^۲ و غیرها.

و صحیحۀ زراره از امام باقر(ع): «نماز جز با طهارت نیست» و غیر این صحیحہ.

دلیل وجوب طهارت از حدث

دلیل اول: نص قران کریم؛ آیه شش سورۀ مائده
دلیل دوم: روایاتی مانند صحیحۀ زاره و حدیث «لاتعاد»

SC03:25:49

۱. مائده: آیه ۶.

۲. وسائل الشیعه: باب ۱ من ابواب الوضوء، حدیث ۱.

چکیده

۱. استقبال، که به معنای رو به قبله بودن در نمازهای واجب است لازم می‌باشد؛ اما در نمازهای نافله و مستحبی لازم نیست.
۲. منظور از اینکه باید به طرف قبله نماز بخوانیم، بنا و ساختمان کعبه نیست؛ بلکه منظور این است که باید به جهت و سمت کعبه نماز خوانده شود و این جهت، عرفی است.
۳. وجوب استقبال از ضروریات دین است و همچنین احادیث فراوانی از جمله صحیح زراره و حدیث لاتعاد بر آن دلالت می‌کند.
۴. در نماز، طهارت از حدث لازم است.
۵. نمازگزار باید طهارت از خبث داشته باشد؛ یعنی بدن و لباس او نجس نباشد.
۶. بعضی از چیزهایی که برای نمازگزار استثنا شده عبارتند از: الف) خون کمتر از یک درهم؛ ب) نجس بودن لباس زنی که مربی و پرستار بچه است.
۷. اگر انسان - عمداً یا از روی جهل یا نسیان - بدون طهارت از حدث نماز بخواند نماز او باطل است.
۸. نمازگزاری که با بدن یا لباس نجس نماز خوانده است، اگر نجاست را می‌دانسته و فراموش کرده باید نماز را اعاده نماید؛ اما اگر جاهل بوده است اعاده لازم نیست.
۹. دلایل وجوب طهارت از حدث عبارتند از: الف) نص قرآن کریم؛ ب) روایاتی همچون صحیح زاره از امام باقر (ع) که می‌فرماید: «لا صلوة الا بطهور» و حدیث «لاتعاد».